



باستان شناسی شاهنامه

و دو گفتار دیگر پیرامون فردوسی و شاهنامه

رضا مرادی غیاث آبادی



Persian Studies

Archaeology of the Shahnameh

Reza. M. Ghiasabadi

پژوهش های ایرانی

باستان شناسی شاهنامه

و دو گفتار دیگر پیرامون شاهنامه و فردوسی

رضا مرادی غیاث آبادی



تهران ۱۳۹۸

سرشناسه:	مرادی غیاث آبادی، رضا، ۱۳۴۲ -
عنوان و نام پدیدآور:	باستان‌شناسی شاهنامه و دو گفتار دیگر پیرامون شاهنامه و فردوسی / رضا مرادی غیاث‌آبادی.
مشخصات نشر:	تهران: انتشارات چم، ۱۳۹۸.
مشخصات ظاهری:	۸۰ ص: مصور.
فروست:	پژوهش‌های ایرانی.
شابک:	978-600-97052-2-1 ۱۵۰۰۰۰ ریال
وضعیت فهرست‌نویسی:	فیا
موضوع:	فردوسی، ابوالقاسم، ۳۲۹ - ۴۱۶؟ ق -- نقد و تفسیر
موضوع:	Ferdowsi, Abolqasem -- Criticism and interpretation
موضوع:	فردوسی، ابوالقاسم، ۳۲۹ - ۴۱۶؟ ق ، شاهنامه -- نقد و تفسیر
موضوع:	Ferdowsi, Abolqasem. Shahnameh -- Criticism and interpretation
موضوع:	شعر فارسی -- قرن ۴ ق. -- تاریخ و نقد
موضوع:	Persian poetry -- 10th century -- History and criticism
رده‌بندی کنگره:	PIR۴۴۹۵
رده‌بندی دیوینی:	۱/۲۱۵۸
شماره کتابشناسی ملی:	۵۷۵۰۶۲۲

باستان‌شناسی شاهنامه

و دو گفتار دیگر پیرامون شاهنامه و فردوسی

مؤلف

رضا مرادی غیاث‌آبادی

★

انتشارات چم

تلفن ۸۸۹۱۸۵۶۷

چاپ طاووس‌رایانه

چاپ نخست ۱۳۹۸

۱۰۰۰ نسخه

★

حق چاپ برای مؤلف محفوظ است

تلفن ۴۴۱۷۶۱۱۰ (۲۱)

شابک ۹۷۸ ۶۰۰ ۹۷۰۵۲ ۲ ۱

۱۵۰۰۰ تومان

آلا ای بر آورده چرخ بلند
چه داری به پیری مرا مُستمند
چو بودم جوان برترم داشتی
به پیری مرا خوار بگذاشتی

شرح حال فردوسی از زبان خودش

فهرست

باستان‌شناسی شاهنامه

- ۱- پیشگفتار ۹
- ۲- دوران پارینه‌سنگی، عصر کیومرث ۱۵
- ۳- دوران میان‌سنگی، عصر هوشنگ ۲۵
- ۴- دوره نوسنگی، عصر طهمورث ۳۱
- ۵- دوره مس، عصر جمشید ۳۷
- ۶- دوره مفرغ، عصر ضحاک ۴۳
- ۷- دوره آهن، عصر کاوه و کیانیان ۵۱

پیوست‌ها

- زادروز فردوسی ۵۹
- خالکوبی‌های توران در مقایسه با بیت‌هایی از شاهنامه فردوسی ۶۷

پیشگفتار

ساکنان فلات ایران از مردمانی بوده‌اند که به تاریخ و سرگذشت پیشینیان دلبستگی داشته و آنرا حفظ کرده‌اند. هر چند که تاریخ در نگاه عمومی ایرانیان همواره شکل و پوسته‌ای داستانی به خود می‌گرفته و گاه مغز فدای پوست می‌شده است؛ اما با این حال شواهد موجود نشان‌دهنده علاقه و توجه این مردم به گذشته‌های دور و نیاکانی است و کوشیده‌اند تا این گذشته‌ها را هر چند به شکل داستانی به خاطر بسپارند و پاس دارند.

نگارنده بر این گمان است که بخش‌های آغازین شاهنامه فردوسی از دیباچه و داستان کیومرث تا داستان فریدون، یک دوره روایی از داستان آفرینش و سیر تغییر و تطور و شکل‌گیری تمدن بشری است. این بخشی است که در تداول شاهنامه‌پژوهان با عنوان «بخش اساطیری شاهنامه» از آن یاد می‌شود.

بررسی نگارنده نشان از آن دارد که نگاه واقع‌گرایانه فردوسی در سرایش این بخش‌ها، اگر بیشتر از دیگر بخش‌ها (و از جمله بخش‌های تاریخی) نباشد، کمتر از آنها نیز نیست.

چنانکه می‌دانیم، متون کهن و مقدس بسیاری از جوامع و مدنیت‌های باستان در بردارنده یک دوره از داستان و سرگذشت آفرینش است. با اینکه چنین سرگذشتی در اوستا وجود ندارد و به احتمال زیاد به دلیل ناهمخوانی با آموزه‌های خودساخته موبدان زرتشتی عصر ساسانی و سیاست‌های دینی ساسانیان از اوستا حذف شده است؛ اما رد آن در شاهنامه فردوسی برجای مانده است. و این ظاهراً به این دلیل است که خدای‌نامه‌های مأخذ شاهنامه فردوسی، از آنجا که نه در میان دستگاه دینی و رسمی حکومت ساسانی، که در میان جامعه مردمی و غیر زرتشتی و به ویژه در میان «دهقانان» رواج داشته و نگهداری می‌شده‌اند، از این دستکاری‌ها در امان مانده و باورهای کهن را حفظ کرده‌اند. بخش اندکی از این سرگذشت‌ها در برخی از متون پهلوی و از جمله در بندهش آمده است که تفاوت‌های قابل ملاحظه‌ای با شاهنامه و با یافته‌های باستان‌شناختی دارد. این متون زرتشتی که عمدتاً در سده‌های نخستین هجری و در دستگاه خلافت عباسی تألیف شده‌اند، تا حد زیادی تحت تأثیر باورداشت‌ها و متون یهودی قرار داشته‌اند. از جمله آنهاست اعتقاد به آفرینش‌های ششگانه و تغییر تعداد هشتگانه گاهنبارها به شش گاهنبار. برای نمونه‌ای دیگر از دستکاری در داده‌های کهن و آشفستگی در متون پهلوی می‌توان از پیدایش آهن به دست مشی و مشیانه (نخستین انسان‌ها) یاد کرد.

با توجه به این نکات و نیز با توجه به وجود داستان آفرینش در شاهنامه فردوسی، می‌توان پذیرفت که شاهنامه فردوسی (و در

نتیجه خدای‌نامه‌های مأخذ آن) کتاب کهن و سپند ایرانیان بوده است. کتابی که با اهتمام و دلبستگی عمومی ایرانیان و نیز با کوشش‌های گسترده شاهنامه‌نگاران و بانیانی همچون ابومنصور عبدالرزاق طوسی، ابوعلی بلخی، مسعودی مروزی، ابوالمؤید بلخی، ابن‌مقفع، ثعالی مرغنی، دقیقی و به ویژه فردوسی طوسی، تا حد زیادی از گزند حوادث زمانه به دور مانده است.

فردوسی در زمان خود دست به کاری نسبتاً خطرناک و مغایر با افکار عمومی روز و سیاست‌های جاری زده بود. و همین موجب شده بود تا شخص او و نام او از اجتماع و دربار رانده شود. برنامه توأمان تحقیر و سکوت در مورد او بالا می‌گیرد و حتی تا سال‌های سال نام او در تذکره‌ها نمی‌آید. او به اندازه‌ای طرد و تحقیر شده بود که شاعران وابسته به دستگاه حکومت غزنویان همچون فرخی، عنصری، عسجدی و معزی به صراحت زبان به طعن و سرزنش او می‌گشایند: «من عجب دارم ز فردوسی که تا چندان دروغ/ از کجا آورد و بیهوده چرا گفت سمر؟» (معزی)، «نام تو نام همه شاهان بسترد و ببرد/ شاهنامه پس از این هیچ ندارد مقدار» (فرخی). آنان در مدح محمود می‌سرایند و در مذمت فردوسی می‌گویند. آنان از سوی محمود تبدیل به شاعران بزرگ و نام‌آور می‌شوند و صله‌ها می‌گیرند و دهانشان پر از سکه‌های زر می‌شود. چنانکه خاقانی برای عنصری می‌گوید: «شنیدم که از نقره زد دیگدان/ ز زر ساخت آلات خوان عنصری». و این در حالیست که فردوسی را به شاعری فراموش شده و بی‌مقدار و نیازمند بدل کرده

بودند. چنانکه فردوسی خود می‌گوید: «الا ای بر آورده چرخ بلند/ چه داری به پیری مرا مستمند، چو بودم جوان برترم داشتی/ به پیری مرا خوار بگذاشتی».

او شاهنامه سرایی را در جوانی و به تشویق و تحریک بانویی که در مقدمه داستان بیژن و منیژه (نخستین داستان سروده شده شاهنامه) از او یاد کرده، و در تنهایی و مذمت‌گویی دیگران، آغاز می‌کند.

مقایسه داستان آفرینش در شاهنامه فردوسی با داستان‌های آفرینش در متون کهن و مقدس جوامع دیگر، نشان می‌دهد که شاهنامه رویکرد و رویه‌ای واقع‌گرایانه‌تر، خردورزانه‌تر و تا حد زیادی غیرتخیلی دارد. چنانکه نخستین گفتار فردوسی پس از مقدمه، در ستایش خرد است و او بارها و بارها این واژه را بکار می‌گیرد. شاهنامه برخلاف اوستا و نیز متون باستانی هندوان و چینیان، از تأثیرات خدایان متعدد و ایزدان و مینویان و نیروهای آسمانی بری و بر کنار است و رویدادهای محیرالعقول در آن جایی ندارند. علاوه بر اینها، ویژگی ممتاز دیگر شاهنامه در این است که در آن مردمان و جوامع و اقوام دیگر خوار و تحقیر نشده‌اند و در آن نشانه‌ای از برتری‌جویی‌های نژادی یا قومیتی یا زبانی به چشم نمی‌خورد. فردوسی هرگز بزرگی ایرانیان را به بهای خوار کردن مردمان دیگر نمی‌خواهد و نیز چشم بر زشتکاری‌ها نمی‌بندد. چه از سوی ایرانیان باشد و چه از سوی غیر ایرانیان. چنانکه رفتارهای شایسته را از سوی هر کس که باشد، بی‌محابا و پرده‌پوشی بر زبان می‌راند.

در داستان آفرینش و سیر تمدن شاهنامه فردوسی، جنگ و ستیزی میان خدایان و نیروهای آسمانی و زیرزمینی در نمی‌گیرد. شخصیت‌های اسطوره‌ای با توانایی‌های خارق‌العاده و فرا زمینی در آن جایی ندارند. هر چه هست، سرگذشتی از رشد فرهنگی و تمدنی و دستاوردهای زندگی انسان در گذر زمان است. سرگذشتی که در لفاف و پوسته‌ای داستانی پیچیده شده است.

داستان آفرینش یا سرگذشت تمدن بشری در شاهنامه فردوسی از دیباچه آن آغاز می‌شود و داستان‌های کیومرث، هوشنگ، طهمورث، جمشید، ضحاک و فریدون را در بر می‌گیرد. در عمده این بخش‌ها (بجز اواخر آن) نام ایران بکار نمی‌رود و آشکارا دانسته می‌آید که فردوسی نه فقط سرگذشت انسان در ایران، که سرگذشت انسان بطور کلی را در نظر دارد و سپس به ایران می‌رسد. چنانکه از شخصیت‌های آن داستان‌ها با عنوان «شاه جهان» یاد می‌کند.

فردوسی در دیباچه شاهنامه و پیش از پرداختن به داستان تکامل انسان و سیر تمدن بشری، به ستایش خرد و آفرینش جهان پیش از انسان می‌پردازد. او از آفریدن: توانایی، آتش و آب و خاک، گنبد آسمان و برج‌های دوازده‌گانه و سیارت هفت‌گانه، زمین و دریا و دشت و کوه و راغ، ابر و آب، خورشید و ماه، گیاهان و جانوران، و سرانجام از آفریدن مردم/انسان یاد می‌کند. دانسته نیست که سخن شیوای فردوسی در بیان داستان آفرینش تا چه اندازه متکی به منابع کهن است و تا چه اندازه با خرد و توانایی‌های سخنوری او آرایش یافته است. اما از آنجا که باورداشت‌های زروانی در شاهنامه

فردوسی (و به ویژه در نزد زال و رستم و دیگر سیستانیان) بنیانی مستحکم دارند، به نظر می‌رسد که داستان آفرینش در شاهنامه بر اساس باورداشت‌های کهن زروانی باشد. به ویژه یادکرد او از «کیوان» و «خداوند کیوان» (خداوند کیوان و گردان سپهر/ فروزنده ماه و ناهید و مهر) که از تعلقات زروانی‌ای است که از اوستا حذف شده و در متون پهلوی زرتشتی نکوهیده شده است.

در ادامه به بررسی مختصر چگونگی زندگی انسان در داستان‌های آغازین شاهنامه و مقایسه آنها با دستاوردها و دوره‌های باستان‌شناختی می‌پردازیم. این سلسله گفتارها قبلاً در چند نشست عمومی و نیز در چند برنامه رادیویی بیان شده بود و نگارنده همواره مترصد فرصتی بود تا آنها را تدوین و مکتوب کند.